

تحلیل محتوایی و بررسی ویژگیهای سبکی نسخه خطی «اکسیرالجنون و تحریر الفنون»

طیبه وطن پرست، فاطمه کوپا، علی محمد پشت‌دار، علی (پدرام) میرزایی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

شهریور ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۶، صفحات ۹۱-۱۱۶

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۴۴۰

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: احیای هر اثر علمی و ادبی قدیم در حکم یافتن حلقه مفقوده‌ای است که شیرازه ادبیات و سلسله حیات معنوی و فرهنگی را پیوند میدهد و راه تحقیق و تتبع در آثار فرهنگی و بدست آوردن مسیر تحولات ادبی و مدنی و فحش و بحث در لغت، دستور، معانی و بیان زبان را فراهم میسازد. از دوران قاجاریه در حوزه عرفان و تصوف اسلامی، ادبیات قابل ملاحظه‌ای به یادگار مانده که شناسایی آنها، گام بزرگی در شناخت سیر تحول و تکامل ادبیات فارسی و انواع مختلف آن است. یکی از ذخایر ارزشمند این دوره، منظومه‌های عرفانی در شرح آداب طریقت و مبانی عرفان و تصوف اسلامی است به نام «اکسیر الجنون و تحریر الفنون». تحلیل محتوا و معرفی اثر مذکور، هدف اصلی این نوشتار میباشد. **روش مطالعه:** مقاله حاضر بر اساس روش تحلیلی (تحلیل زبان و محتوا) و با ابزار کتابخانه‌ای انجام شده که محدوده و جامعه مورد مطالعه آن، تنها نسخه خطی «منظومه اکسیر الجنون و تحریر الفنون» یادگار قرن سیزدهم هجری است.

یافته‌ها: اکسیر الجنون بلحاظ محتوا، منظومه‌ای کاملاً عرفانی و به تقلید از مثنوی مولانا، به شیوه تمثیلی و تلمیحی نگاشته شده است. از بعد ادبی، کاربرد صنایع مختلف ادبی، تصویرسازیها، به خدمت گرفتن صور معانی در جهت ساده‌سازی و بیان مضامین عرفانی و دینی، اشعار عربی و ملمعات زیبا نشان‌دهنده توجه شاعر به جنبه‌های زیباییهای لفظی و معنوی کلام است و بسامد کاربرد عناصر بیانی و تصویرسازی بالاتر است. بلحاظ فکری، اثری درونگراست و مفاهیمی چون «وحدت وجود» و اصطلاحات تصوف را شرح کرده است. بلحاظ زبانی ساده و اغلب دارای ویژگیهای سبک خراسانی است و بطور کلی داخل در سبک بازگشت ادبی است. تشریح مبانی عرفانی و اخلاقی با ابزار حکایت نیز، از ویژگیهای این منظومه میباشد.

نتیجه‌گیری: منظومه اکسیرالجنون بیانگر رشد و رواج عرفان و تصوف اسلامی و رویکرد شعرا به ادبیات عرفانی در کنار سایر انواع ادبی در دوره قاجار است. گرچه شاعر به تقلید از گذشتگان پرداخته است، در مباحث شیعی راه خود را از پیشینیان جدا میسازد. او دین را شامل سه مرتبه شریعت، طریقت و حقیقت میداند. معرفی این منظومه میتواند برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به شعر و ادب فارسی، تاریخ تطور عرفان و تصوف اسلامی در عهد قاجاری، ادبیات عامیانه و داستانی، حدیث و روایات دینی به واسطه شرح مبسوط اثر و اشاره به شعر شعراي مختلف، سودمند واقع شود.

تاریخ دریافت: ۰۴ تیر ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۰۵ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۱۶ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۰۶ مهر ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

نسخه خطی، اکسیرالجنون و تحریر الفنون، عرفان و تصوف، سبک‌شناسی، بازگشت ادبی.

* نویسنده مسئول:

tvatanparast@yahoo.com

(۹۸۲۱+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Content analysis and review of stylistic features of Exir-Al-jonoon and Tahrir-AL-fonoon manuscript and art writing.

T.Vatanparast*, F. Koopa, A.M. Poshtdar, A.P. Mirzaei

Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۲۵ June ۲۰۲۱

Reviewed: ۲۷ July ۲۰۲۱

Revised: ۰۷ August ۲۰۲۱

Accepted: ۲۸ September ۲۰۲۱

KEYWORDS

Exir-al-jonoon and Tahrir-al-fonoon, manuscript, Mysticism and Sufism, stylistics, literary retur.

*Corresponding Author

✉ tvatanparast@yahoo.com

☎ (+۹۸)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Revival of any old scientific and Edi work is missing link Binding connects our spiritual and cultural life and the way of researching and following in cultural works and obtaining the path of literary and civic developments and discussion and discussion in words and grammar, provides the meanings of language expression. Considerable literature in the field of mysticism and Sufism has remained from the Qajar period Identifying them is a big step in understanding the evolution of Persian literature and its various type One of the valuable reserves of this period is the Exir-al-jonoon and Tahrir-al-fonoon poem Content analysis and introduction of the work is the main purpose of this article.

METHODOLOGY: Current article Based on Analytical Method (Language and content analysis). Done with library tools scope and community studied the only manuscript of Exir-al-jonoon and Tahrir-al-fonoon poem is a relic of thirteen the century AH, wich is Kept in the Malek library.

FINDINGS: The Exir-al-jonoon and Tahrir-al-fonoon of madness is a completely mystical poem in terms of content and it is composed in imitation of Rumi's Masnavi in an allegorical and allusive way. From the literary point of view, Application of various literary industries, illustrations and the use of forms of meanings in order to simplify and expressing the mystical and religious themes of Arabic poetry and beautiful Bilingual poem the poet's attention to the verbal and spiritual aspects of speech and the frequency of expressive and visual elements is higher. Intellectually, it is an introverted work and has described concepts such as the unity of existence and the terms Sufism. It is linguistically simple and often has Khorasani style features and generally inside in the style of literary return Explaining the mystical principles of ethics with the tools of storytelling is one of the features of this system.

CONCLUSION: The Exir-al-jonoon and Tahrir-al-fonoon poem, expresses the growth and prevalence of Islamic mysticism and Sufism and the approach of poets to mystical literature along with other types of literature in the Qajar period. Although the poet imitates the past, in Shiite issues he separates his way from theAncestors. He considers religion to include three times the law of the way and the truth. This poem can be used for researchers and those interested in Persian poetry and literature, the history of the evolution of Islamic mysticism and Sufism in the Qajar era. Folk and fiction literature of hadith and religious narrations can be useful by giving a detailed description of the work and referring to the poetry of different poets.

DOI: ۱۰,۲۲-۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۶۴۴.

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۲۸	 ۰	 ۴

مقدمه

نهضت بازگشت ادبی با متوقف ساختن سیر انحطاط شعر دوره صفوی و احیاء طرز سخنگویی فصیح در قالبهای مختلف شعری و استعمال واژه‌های فارسی فراموش شده، شعر فارسی را در مسیر اصلی و اصلی و اسبق خود قرار داد و در جان گرفتن و بهبود نثر فارسی نیز بسیار تأثیرگذار شد (تاریخ ادبیات ایران، سبحانی: صص ۴۷۸-۴۸۰). در زمینه عرفان و تصوف هم برخلاف کسانی که اندیشیده‌اند تصوف در این عهد بطور کلی از بین رفته است، به شیوه دوره‌های گذشته فعال بوده و اهل تصوف، همانند شعرا، با احیای سنتهای قدما و نقد تصوف عامیانه، احوال و اقوال و افکار کسانی چون ابن عربی و غزالی را احیا و اصلاح کردند و نمونه‌ای از بازگشت تصوف این دوره است به دوره حلاج و شبلی، با این تفاوت که این نوع تصوف در محیط تشیع است (تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت، خاتمی: ص ۸۹). تعالیم عرفانی ابن عربی و صدرالدین شیرازی بوسیله کسانی چون حاج ملاهادی سبزواری و آقا محمدرضا قمشه‌ای احیا شد و تا زمان حال ادامه و رونق دارد» (تاریخ تصوف و عرفان اسلامی، اسفندیار و دیگران: ص ۱۳۶). سرانجام با شروع انقلاب مشروطیت و پس از آن، بازار تصوف در ایران تقریباً به پایان رسید. با اینهمه از تاریخ طولانی و پرفرازونشیب آن دوره، ادبیات قابل ملاحظه‌ای به میراث ماند که بدون ارزیابی آن، جستجو در تصوف ایران البته ممکن نخواهد بود (دنباله جستجو در تصوف ایران، زرین کوب: ص ۳۴۸). آثار ادبی عرفانی زبان فارسی، یکی از ارزشمندترین سرمایه‌های فرهنگی در حوزه تمدن ایرانی است که بر ادبیات جهان نیز اثرگذار بوده بدانگونه که درست مقارن وقوع رنسانس، نوعی تفکر و اشراق شرقی-مرکب از عرفان و رمانتیسیم- بر ادبیات غرب و نویسندگان آن دوره بویژه سمبولیسم فرانسه اثر گذاشته است (کیمیا و خاک، براهنی: ص ۳۵). از اینرو ضرورت شناسایی و معرفی آثار بیشمار و مغفول این حوزه، کاملاً احساس میشود.

هدف پژوهش حاضر معرفی، تحلیل محتوایی و بررسی مشخصات سبکی، یکی از منظومه‌های ادبی-عرفانی زبان فارسی با عنوان «اکسیرالجنون و تحریرالفنون» میباشد. اثری که جز در فهرست دستنوشته‌های خطی ایران (دنا) هیچ کجا نامی از آن برده نشده است. شناخت و مطالعه این منظومه، هم از منظر تحقیقات عرفانی، دینی و آیات و احادیث رایج در دوره قاجاریه مؤثر است و هم بلحاظ آشنایی با لغات و اصطلاحات کهن و مهجور، حکایات، ضرب‌المثلهای عامیانه و قالبهای شعری، از جمله رباعیات که بخش پایانی اثر مذکور را شامل میشود. بطور کلی جهت آشنایی با جزئیات سبک ادبی دوره بازگشت بویژه حوزه عرفانی آن، گامی کوچک اما مهم محسوب میشود.

سابقه پژوهش

در رابطه با معرفی و تحلیل منظومه «اکسیرالجنون و تحریرالفنون» تاکنون هیچ نوع پژوهشی انجام نشده است. پژوهش حاضر، برگرفته از رساله دکتری پژوهشگر، با موضوع «تصحیح نسخه خطی منظومه اکسیرالجنون و تحریر الفنون» است که با همکاری استادان دانشگاه پیام نور در سال ۱۳۹۹ انجام شده است.

روش مطالعه

مقاله حاضر براساس روش تحلیلی (تحلیل زبان و محتوا) با ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است. جامعه مورد مطالعه، متن دستنویس «منظومه اکسیرالجنون و تحریر الفنون» بوده و بلحاظ زمانی در محدوده قرن سیزدهم قرار میگیرد. جهت تحلیل محتوا، ساختار و سبک اثر، نظریه‌های سبک‌شناسان معاصر ایرانی بویژه سبک‌شناسی سیروس شمیسا، محور اصلی کار قرار گرفته و نمودارهای آماری براساس تحلیل و بررسی ۱۵۰۰ بیت از مثنوی و مجموعه رباعیات

مندرج در منظومه، تهیه گردیده است.

بحث و بررسی

اکسیرالجنون و تحریر الفنون، منظومه‌ای تمثیلی، تشبیهی و تلمیحی است. مشتمل بر اشعار فارسی و عربی در شرح مواضع، نصایح و مبانای عرفان و تصوف که شاعر در بیان مطالب به تناسب از اقوال و اشعار صوفیان و شعرای سبک عراقی همچون مولانا، عطار و اندیشمندان بزرگی چون ابن عربی بهره گرفته است و خود بدین مضمون اشاره دارد. تنها نسخه‌خطی این اثر، به خط نستعلیق فارسی در ۲۵۰ صفحه نگاشته شده، صفحات آن دارای رکابه و عناوین بخشها شنگرف است. تنها نسخه این اثر در کتابخانه و موزه ملی ملک تهران نگهداری میشود.

تاریخ تألیف این منظومه قرن سیزدهم هجری قمری میباشد. در صفحه آغازین کتاب، یادداشتی از یک حساب و کتاب به تاریخ «پنجشنبه چهاردهم شوال ۱۲۹۶ ه.ق» دیده میشود. از دیگر تواریخ ذکر شده در اثر، تاریخی است که کاتب در ترقیمه کتاب، به زبان عربی و به نحوه یافتن این کتاب بدین شرح اشاره میکند: «روزی در منزل جناب بزرگوار برادر محترم آقا سیدحسین برغانی «ابن المصنف» که -خدا او را حفظ نماید- بودم. کتابی دیدم حاوی نکات عرفانی، او را در عرفان در بالاترین مراتب دیدم و از کتابهای مشهورش در این زمان همان لطایف و اشعارش هست که عبد حقیر «محمدجعفر حبیب‌الله تویسرکانی» در روز جمعه ۱۳ رجب ۱۳۳۲ به تحریر درآورده‌ام». بدین ترتیب به نام مؤلف در کتاب اشاره نشده و براساس نوشته کاتب بنظر میرسد شاعر از خاندان برغانی بوده و تنها در حواشی و توضیحات متن، از تخلص شاعر به «مجنون» یاد شده و در پایان دیباچه، متن مثنوی و خاتمه کتاب هم شاعر، تخلص خود را ذکر کرده است.

اکسیرالجنون و تحریرالفنون بلحاظ ساخت شامل سه بخش است. شاعر سخن را با بهاریه‌ای مخمس و تغزل‌گونه آغاز میکند و به عبارتی نوعی براءت استهلال است برای مثنوی که بخش اصلی این منظومه را دربر میگیرد و حسن ختام اثر، مجموعه رباعیاتی عاشقانه و عارفانه به سبک شعرای متقدم است.

قصیده بهاریه مخمس با «وزن رمل مثنی محذوف» بخش آغازین منظومه اکسیرالجنون است. شاعر به طرز نمادین ایده وحدت‌نمایی جهان در امور جزئی و اشیای خرد را بیان میکند و کلیه موجودات عالم را پرتوی از جنبه رخسار گل، میداند که در گلستان عالم، مظهر تجلی اسماء الهی هستند. این حالت استغراق در عشق گل، تعبیری دیگرگونه از مشاهده جمال معشوق در مقام قرب است (گل در تأویلات عرفانی، مالمیر: ص ۵۰). مطلق گل، در فرهنگ عرفان اسلامی «مظهر جمال و تجلیات الهی، نماینده خداشناسی و توحید» است (همان: ص ۱۶). در میان فلاسفه مشهور یونان، فلوطین نیز معتقداتی شبیه بر این اصل را با نماد گل بیان میکند: «اصل «خیر»، همان کمال مطلق است. از آنجاکه خیر مطلق، زیبایی مطلق نیز هست، نیرویی است که پدیدآورنده هرآنچه زیباست و گلی است که در آن جمال برین میشکند» (صور معانی در مکتب درونگرایی، شجیعی: ص ۹). این مقدمه نمادین تجسم بارز و زنده نظریه وحدت در کثرت ابن عربی است که توسط عرفای دوره قاجار، چنانکه پیشتر اشاره شد، مجدداً احیا شده است. مصنف اکسیرالجنون نیز بارها به سبک پیشینیان، با نمادها و تصویرسازیهایی سعی در تشریح این مسئله دارد و در پایان بهاریه به مخاطب خود جهت یافتن حقایق معنوی و مشاهده گل (معشوق حقیقی) و بوییدن شمیم عطر او، گلشن مجنون (تخلص شاعر) را معرفی میکند. از آنجاکه گلشن در نظر عرفا نماد معارف و مکاشفات ربانی و عشق الهی است (گل در تأویلات عرفانی، مالمیر: ص ۴۸)، شاعر اثر خود را گلشنی میداند که هر لحظه از احوال گل (معشوق حقیقی) خبر میدهد.

گفتمش جانا دگر باشد تو را بینم به کوی / گفت آری، رو مرا در گلشن مجنون بجوی (مجنون تخلص شاعر)
 بدین ترتیب «اگرچه در مثنویهای روایی زبان فارسی معمولاً سنت بر آن است که منظومه با نام خدا، نعت رسول اکرم (ص) و منقبت امام علی (ع) -اگر شاعر شیعه باشد- شروع شود و این مطلب در مثنویهای شیعی عصر قاجار رعایت شده و کمتر پیش می‌آید شاعری ساختارشکنی کند و همچون مولوی اثر خود را با نی‌نامه آغاز کند» (تحلیل ساختاری و محتوایی مثنویهای شیعی در عصر قاجار، نظری و دیگران: ص ۸۵)، در اکسیرالجنون، مثنوی با تمثیل گل و بلبل آغاز میشود:

بشنو ای بلبل ز گل این داستان / نقد حال خود از آن رعناستان

بخش اعظم و اصلی این اثر، مثنوی است که به تقلید از مولانا در طی دو دفتر ابتدا به بیان مقامات طریقت و سیرالی الله و فناء فی الله و شرح قلیلی از فضایل عقل، فقر و فقرای حضرت حق میپردازد. دفتر دوم، در بیان مقامات حقیقت، ادبار و اقبال عقل و بقا بعد از فنا و سایر مفاهیم عرفانی بوده و اینگونه آغاز میشود:

«حمدالله تعالی ذات‌ه شهدالله تبارک انه و در تنزیه حق تعالی بعضی از مقامات رسول اکرم (ص) سخن میگوید. در خاتمه ارادت و عنایت مولاعلی (ع) را باعث خلق اثر میداند: یا علی ای سیراکسیر الجنون یا علی ای فن تحریرالفنون» (ص ۲۲۸). (از این پس ابیات با شماره صفحه، از متن منظومه اکسیرالجنون میباشند).

یکی از امتیازات مهم اثر مذکور، شرح مبسوط و حاشیه‌نویسیهای گسترده میباشد. توضیح آیات و احادیث، روایات دینی، معنی اکثر واژه‌ها، توضیح صنایع ادبی، شرح مباحث علمی، نجومی، عرفانی، ذکر منابع احادیث بکاررفته همچون منبع کافی، تفسیر امام حسن عسکری (ع) و بسیاری از منابع مشابه، شواهد شعری از شعرای متقدم و معاصر نویسنده و... است که از خلال این توضیحات و همچنین مطالعه ابیات، اطلاعات ارزشمندی بدست می‌آید. از جمله روایات و احادیثی که در منابع امروزی بدان اشارت نرفته است و یا بصورت محدود اطلاعاتی درباره آن وجود دارد. همچنین اشعاری که در متون ادبی ردپایی از آنها دیده نمیشود. بعنوان مثال، ابیاتی با تخلص قانی در صفحه ۲۲۸ نسخه ذکر شده که در دیوان وی نیامده است.^۱

ویژگیهای اصلی منظومه

اقتفا به پیشینیان: شاعر در بخش تعریف عارفان مراتب طریقت و عاشقان حقیقت، از بزرگان شعر فارسی و سرآمدان ادبیات عرفانی و تعلیمی اینگونه یاد میکند و خود را دنباله‌رو آنها میداند و با تأکید بر این مضمون که «او را مذاقی دیگر است»، ادعا میکند که شیوه و طرز نو دارد:

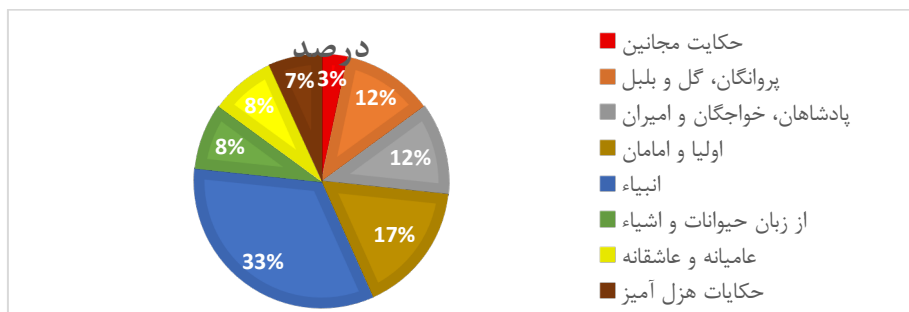
وحدت اندر وحدت اندر وحدت است
 در مذاق عارفان خوش کوثر است
 نور از خورشید گردون میکشد
 میفشاند دُر ز دریای قدم
 گر هزار اندر هزار او خود یکی است
 گفت او اندر خموشی اظهار است
 (ص ۲۵)

دفتر رومی که کنز وحدت است
 منطق عطار بحر گوهر است
 وان لسان‌الغیب خواجه کز رشد
 داستان شیخ سعدی کز کرم
 دفتر عشاق خود نامنتهی است
 باز مجنون را مذاق دیگر است

^۱ - «ازبس که غرق عشق توشدم به عمر خویش نشناختم جفای تو را از وفای تو
 قانی ار غریب نماید غریب نیست/ بیگانه است با دو جهان آشنای تو

حکایات و مناظره‌های تمثیلی: «صوفیه به جنبه‌ی اشاری زبان یعنی ویژگی رمزی آن دل‌بسته‌تر بوده‌اند و گاه این رمزگرایی از حد کاربرد کلمه‌ها فراتر رفته و در ادبیات صوفیه، زبانی غیر از زبان گفتار، بصورت رمز، ظاهر شده است؛ یعنی استفاده از حکایات بعنوان وسایل رمزی که خود نوعی بیان تازه است (زبان شعر در نثر صوفیه، شفيعی کدکنی: ص ۱۳۸). زبانی در درون زبان دیگر و دیگر. از دیدگاه ایشان هر متن یک ذکر جلی دارد و هزاران ذکر خفی. هرمنوتیک عارف عبور از ذکر جلی متن است به عرصه‌ی ذکرهای خفی که بالقوه و بینهایت است» (همان: ص ۲۰۶). از دیدگاه سبک‌شناسی عرفانی، این شیوه را نظام تمثیلی و الگوریک تصوف خراسان باید نامید (همان: ص ۵۱۹).

یکی از شگردهای شاعر در منظومه‌ی اکسیر الجنون و تحریرالفنون، کاربرد تمثیلهای و حکایتهای رمزی به پیروی از قدماست. حکایتهای دارای ویژگی خاص سنتهای ادبی صوفیه است و معمولاً در شکل تجریدی و بیرون از زمان و مکان تشریح میگردند. بجز مواردی چون حکایت «فقیر هندی و دختر شاه خطا» و حکایت «شهر دوشیزه» که در ساحل رود نیل قرار دارد، در سایر حکایتهای به مکان خاصی اشاره نشده است؛ زیرا هدف، ترسیم هیچگونه واقعیتی نیست، بلکه مصنف میکوشد وضعیت تجریدی را مجسم سازد. بعضی از حکایات از جمله داستان سلطان محمود و خاکبیز و داستان شیخ حمدان، از آثار گذشتگان بویژه مولانا و عطار عیناً و یا با اندکی دخل و تصرف ذکر شده است و برخی چون حکایت شهر دوشیزه که -بدان اشاره شد- در منابع دیگر نیامده است. حکایات گاه بلند و داستان در داستان و گاه بسیار کوتاه و در حد یک تا دو بیت را دربر میگیرد و مواردی نیز همچون مناظره‌ی گندم و نانوا، از زبان اشیا روایت شده که همگی نمایش استعارای طریقت و مقامات عرفانیست. در منظومه‌ی اکسیرالجنون، قریب به شصت و یک حکایت و قصه ذکر شده و به اقسامی که در تصویر ذیل آمده، تقسیم میگردند:



نمودار ۱- درصد فراوانی انواع حکایات در «منظومه‌ی اکسیرالجنون و تحریر الفنون»

آمار فوق بیانگر درصد بالای حکایات مربوط به انبیا است با ۲۱ داستان، و مرتبه‌ی دوم از آن حکایات اولیا و امامان با ۱۰ حکایت است که بیانگر گرایش و تسلط شاعر به مضامین قرآنی و احادیث مذهبی است. حکایات مربوط به پادشاهان، با ۷ حکایت کوتاه و بلند در مرتبه‌ی سوم قرار میگیرد و شاه اغلب نماد حضرت حق تعالی میباشد. سایر داستانها نیز با تنوع موضوعی و گاه لحنی آمیخته به طنز و هزل، میتواند از جذابیتهای اثر مذکور بشمار رود.

نمود فرهنگ اسلامی: آراستگی اشعار به زیور معانی مذهبی (قران، حدیث، روایت و قصه‌های مذهبی) از ویژگیهای اکسیرالجنون است و به شیوه‌های ذیل در مباحث مختلف، بیان گردیده است: الف: تلمیح به کلماتی از یک آیه یا حدیث: در تعریف مراتب علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین با اشاره به آیه (۴-۸) سوره‌ی تکوین میگوید:

از رسوم قیل و قال وز ظنون / راند مرکب در صف لو تعلمون
 باز چون راهی شد از علم‌الیقین / گشت مست از باده عین‌الیقین (اکسیرالجنون: ص ۲۵)
 ب: اقتباس از معانی آیات قرآن و احادیث از طریق حل آن معانی:
 منکر بعث و معاد جان شدند / زانکه اندر تیه تن حیران شدند (همان: ص ۵۳) (اشاره به آیه ۵ سوره رعد).
 ج: کاربرد قسمتی از یک آیه یا روایت یا تمام آن در یک مصراع یا در یک بیت به اقتضای حال میباشد و گاه در
 خلال ابیات منظومه مورد بحث، روایاتی آمده که در منابع امروزی موجود نیست:
 گفت موسی را خداوند کریم / باش راضی حکم ما را ای کلیم
 اَرْضِ لَقْمَةً تَسُدُّ جُوعَكَ / وَ بِخَرْقَةٍ تَسَاتِرُ عَوْرَتَكَ (ص ۴۲)
 اشاره به روایتی است که خداوند متعال خطاب به موسی فرمود: «یا موسی اَرْضِ بِه لَقْمَطٍ تَسُدُّ بِه جُوعَكَ وَ بِه خَرْقَةٍ
 تَسَاتِرُ بِهَا عَوْرَتَكَ» (ای موسی راضی باش به لقمه‌ای که مانع از گرسنگی تو شود و به خرقه‌ای که عورت تو را
 بپوشاند) (حاشیه منظومه، ص ۴۲).
 و همچنین ذکر روایتی از حضرت علی (ع) که در منابع امروزی جز در مواردی اندک به آن اشاره نشده است:
 آفتاب این جهان و آن جهان / هست شاه کل دلیل عارفان
 اوست سر نقطه اندر حرفها / اوست اصل اصل جمله فرعها^۱
 اساطیر دینی: تجلی اندیشه‌های مذهبی در مضمون و معانی شعر عرفانی، تنها از طریق اقتباس معانی آیات قرآن و
 احادیث نبوی نبوده، بلکه اساطیر دینی نیز جلوه خاصی به اشعار همه شعرای درونگرا بخشیده است (صور معانی
 در مکتب درونگرایی، شجعی: ص ۱۵۸). نویسنده اکسیرالجنون نیز متناسب با مقاصد و اهداف خویش از
 گنجینه‌های اساطیر، در قالب تلمیحات و شخصیت‌های داستانی، هنرمندانه استفاده کرده که حکایت از آشنایی و
 تسلط شاعر بر مبانی عرفانی، مذهبی، اسلامی و ادبیات عرفانی پیشنهاد دارد. اساطیری چون سلیمان، بلقیس،
 خضر، آب حیات، ابراهیم، آتش، نمرود و...
 در کنار ذکر اساطیر مذهبی، اشاره به اساطیر غیرمذهبی و شاهان باستانی و شخصیت‌های تاریخی نیز در متن اثر
 مشاهده میشود. اساطیری چون دیو، اژدها، خورشید، سیمرغ و...
 هر که اندر رنج خود آمد گرو / میستاند باج از پرویز و زو (ص ۳)
 «زو یا زاب در شاهنامه پسر تهماسب است. پس از آنکه افراسیاب نوروز را کشت، زو به پادشاهی رسید و پنجاه
 سال حکومت کرد» (صفا، حماسه‌سرایی در ایران: ص ۴۸۰).
 رستمی خواهد که اژدرها کشد / تا از آن گنج و نوا سودی برد (ص ۳)
 تا طلسم تن نگردد ریزریز / عقل را کی باشد از دیوان گریز (ص ۱۶۹)
 اشعار عربی و ملمعات: در جای جای این منظومه اشعاری به عربی آمده است:
 یا حبیبی لیت تدری ما أقول / جل ربی آن تدارک ما بالعقول
 کل من یسقی بکأس من رحیق / شاعر فی سکره نعم الرفیق (ص ۲۴)

^۱ «ان کل مافی العالم فی القرآن وکل ما فی القرآن باجمعه فی فاتحه الكتاب وکل ما فی الفاتحه فی البسملة وکل ما فی البسملة فی الباء، وانا النقطه تحت الباء»؛ تمام آنچه در عالم است در قرآن است و تمام آنچه در قرآن است در سوره حمد است و آنچه در سوره حمد است در بسم الله الرحمن الرحيم جمع شده است، و آنچه در باء است و من نقطه تحت باء هستم» (متن اکسیرالجنون) از جمله احادیثی که امروزه منابع دستاوردی از آن وجود ندارد. ولی در میان بزرگان عصر صفویه و قبل آن ممکن است در منابعی که در دست بوده، بدان اشارت رفته باشد.

(یعنی ای دوست من کاش میدانستی سرگفتار مرا. بزرگ است پروردگار من از اینکه به عقلها ادراک شود و هر کس که آشامید جامی از شراب بهشت، میفهمد در مستی خود سرگفتار مرا و او خوش رفیقی است برای من). نیست این قول حلول و اتحاد *جَلَّ رَبِّي أَنْ يَحِلُّ بِالْعِبَادِ* (ص ۳۸) (یعنی جلیل و بزرگ است پروردگار من از اینکه مکانی داشته باشد و حلول نماید به بندگان خود). یک بیت ترکی نیز با مفهوم شکوائیه ذکر گردیده است: «پر اوسدین دولت سن ردبینه آج لوخدن» (گرچه دولت روی زمین از آن توست اما از گدایی در مرگ و عذابی).

اصطلاحات و ترکیبات نمادین شعر تصوف: «شمار واژه‌های نمادی و استعاری که چکامه‌سرایان از آن بهره جستند، بسیار محدود است و همه آنها به ضابطه‌ای معین میرسد که میتوان آن را نوع اصلی و مبدأ حرکت شعر نامید و هدف از بکار بردن استعارات، آن است که نشانه‌ای باشند و مفهوم واقعی فلسفی را در پوشش واژه خود پنهان سازند» (تصوف و ادبیات تصوف، برتلس: ص ۱۴۶). سیمای مثبت این اصطلاحات معمولاً با سیمای منفی آن همراه است؛ مانند خوف و رجا، بسط و قبض، محو و سکر، فنا و بقا، آفتاب و ابر، زلف و رخ، مس و زر، ابر و ماه و خورشید، طره و گیسو و رخ و... که در اکسیرالجنون بوفور کاربرد یافته است.

اصطلاحات نجومی: در ذنب افتاد آن سرهنگ راد / آه از این راس و ذنب فریاد و داد (ص ۵۸)
اصطلاحات شطرنج: عشق را شطرنج حسنش مات کرد / عقل عالم زین سخن هیهات کرد (ص ۳)

مقایسه محتوایی اکسیرالجنون و آثار برجسته ادبیات عرفانی

چنانچه اشاره شد، مصنف اکسیرالجنون ضمن اقتفا به بزرگان ادب عرفانی ادعا میکند او را مذاقی دیگر است. از جمله محورهای اصلی محتوایی و فکری منظومه که در آثار بزرگ ادبی دیده میشود، میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- در بیان ناتوانی حواس ظاهری از دریافت حقیقت، سنایی در حدیقه، حکایت شهر کوران و فیل را ذکر کرده و مولانا همین داستان را در تاریکی بیان میکند و راه نجات را شمع شریعت میداند. مصنف اکسیرالجنون نیز در داستان مردمان کور در شهر دوشیزه، منازعه کوران بر سر دریافت حقیقت را به تصویر میکشد. در این داستان شاه (نماد خداوند) از طیب حاذق خود میخواهد در علاج کوران اقدام کند اما گروهی ضمن انکار نابینایی خود با لجاجت از درمان روی میگردانند. در نهایت مصنف به اثبات لزوم حضور انبیا و شریعت جهت رسیدن انسانها به حقیقت میپردازد و پس از انبیا، امامان را مایه نجات و هدایت انسان دانسته و با گریز به واقعه غدیر، مبحث امامت و اهمیت آن را بیان میکند.

۲- گذر از ظاهر و رسیدن به باطن از طریق تمثیل «طی کردن وادی» که نمونه مشهور آن در *منطق‌الطیر* عطار است، از دیگر مفاهیم ارزشمند در اکسیرالجنون میباشد. با این تفاوت که مصنف وصول به حقیقت را از طریق گذر از چهار وادی معادل اسفار چهارگانه، از قول حضرت علی (ع) به کمیل بن زیاد در صفحه ۱۸۴ مطرح میکند.

۳- مسئله رجعت به اصل که مولانا آن را با تمثیل نی‌نامه بیان نموده، در اکسیرالجنون تحت عنوان مبحث ادبار و اقبال عقل و تفسیر عرفانی حدیث امام صادق (ع) که فرموده «*خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ: أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ، قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ. ثُمَّ قَالَ: مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ. بَكَ أَثِيبُ وَبِكَ أَعَابُ*» (اکسیرالجنون و تحریرالفنون: ص ۵۰)، مطرح میشود. ادبار اشاره به هبوط آدم به دنیای خاکی دارد و اقبال، رجعت دوباره روح است به جوار حق و این رجعت، سفر از حق است به حق و براساس قوس صعودی و نزولی، ادبار عقل عین اقبال عقل است و با پیروزی جنود عقل بر جنود جهل محقق میگردد.

نقاط قوت و ضعف منظومه اکسیرالجنون و تحریر الفنون

در متن منظومه علیرغم سادگی و روانی کلام، پاره‌ای از عیوب مخل فصاحت مشاهده میشود؛ از قبیل تنافر حروف و کراهت در سمع:

میفشانند باد رحمت هر زمان / بر دهانشان میوه از نخل جنان (ص ۱۳) و برانمُتَان (صفحه ۱۴۸)، چِبُود: چه بود. مخالفت با قیاس: کاربرد فعل تواند بصورت: شه کجا تاند با ما بازی کند ... (ص ۱۳۴)،

کاربرد فعل پایستی بصورت: باری چون تو ز اهل نقطه نیستی / جهد کن تا بر محلش بیستی (ص ۱۴۲) همچنین حذف در کلمات: چالاتر در معنای چالاک‌تر (ص ۱۴۲)، گَوَز: گوزن (ص ۱۶۱).

مواردی از غرابت استعمال واژه‌های غریب و نیازمند به شرح و توضیح؛ همانند مُندکک: خواروذلیل (ص ۸۲)، شلیت: محکم بستن (ص ۱۶۵) و مواردی اندک واژه‌های رکیک و دور از اخلاق، تعابیر خیلی عامیانه چون بوی پیاز دادن و قدر یک تره ارزش نداشتن، از جمله عیوب منظومه بشمار می‌رود.

علیرغم ضعفهای فوق که بسامد چندانی هم ندارند، شاعر در اکسیرالجنون مطالب عرفانی را به ساده‌ترین زبان و لحنی صمیمی در لفافه داستانها و تمثیلهایی که هم جنبه لذت‌آفرینی و تأثیرگذاری دارد و هم فهم معانی را تا حد ادراک عامه ساده و قابل فهم می‌سازد، بیان میکند. هرچند تداخل موضوعات مختلف در یک مبحث گاه رشته کلام را از دست مخاطب بدر میبرد ولی سادگی، بی‌تکلفی و ناپیچیدگی معنی و لفظ، به خدمت گرفتن صنایع ادبی بشکل محسوس و طبیعی و گاه توأم با ملاحظاتی تغزل‌گونه، وصف و تجسم قوی، ساخت ترکیبات عرفانی چون فانی‌کده و عرفان‌کده از محسنات اثر میباشد. بگونه‌ای که آن را در هر دو جنبه ادبی و عرفانی شایسته توجه و معرفی به جامعه ادبی می‌سازد.

رباعیات: رباعی کوتاهترین شکل شعری منظوم، بعد از مفردات است و میتوان آن را شعر صوفیان خواند. در میان شعرای عهد قاجار، شاعر رباعیگوی خاصی وجود ندارد؛ هرچند در مواردی رباعیاتی با مضامین بدیع دیده میشود (سبک شعر قاجار، تجربه کار: ص ۱۹۵). منظومه اکسیرالجنون و تحریر الفنون حاوی ۱۴۰ رباعی با مضامین عاشقانه، عارفانه، اخلاقی و تعلیمی، دینی و مذهبی از قبیل منقبت امام علی (ع) وصف قرآن و نماز است.



نمودار ۲- درصد فراوانی رباعیات در منظومه اکسیرالجنون و تحریر الفنون بر اساس مضمون.

این نمودار بیانگر تساوی مضامین عارفانه (۵۰ مورد) و عاشقانه (۵۰ مورد) و همچنین برابری مضامین دینی و مذهبی (۲۰ مورد) و تعلیمی و اخلاقی (۲۰ مورد) است. در مضامین عارفانه و عاشقانه، تقلید و پیروی از اشعار حافظ بیشتر نمود یافته است. بدلیل پرهیز از اطالۀ کلام، در اینجا به ذکر شاهدهی زیبا از متن اثر مذکور اکتفا میگردد:

گویند که یک شب شب یلدا باشد / در جمله سال و ماه پیدا باشد
 تو در رخ ماه من دو یلدا بنگر / تا کذب همه بر تو هویدا باشد (ص ۲۳۰)

ویژگی‌های سبکی و محتوایی اثر

مختصات زبانی

سطح زبان مقوله‌گسترده‌ای است و به سه سطح کوچکتر آوایی، لغوی و نحوی تقسیم می‌شود (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۷۲).

سطح آوایی: سطح آوایی را سطح موسیقایی متن نیز میتوان گفت؛ زیرا در این مرحله متن را بلحاظ ابزار موسیقی بررسی میکنیم. موسیقی بیرونی (کناری) از بررسی وزن و قافیه و ردیف معلوم می‌شود. موسیقی درونی متن بوسیله صنایع بدیعی لفظی از قبیل انواع سجع و جناس، تکرار (همحروفی، همصدایی...) بوجود می‌آید (همان: ص ۲۱۶).

مواردی از سطح آوایی در اکسیرالجنون

موسیقی بیرونی و کناری: موسیقی بیرونی وزن عروضی است. در اکسیرالجنون دیباچه بر وزن «رمل مثنی» محذوف و مثنوی بر وزن «رمل مسدس محذوف» سروده شده است.

موسیقی کناری: مربوط به قافیه و ردیف است. در ابیات اکسیرالجنون قافیه و ردیف ساده، آسان و طبیعی است. چنانکه سادگی و بیتکلفی معنی و لفظ نیز از مختصات اشعار این اثر میباشد. قافیه بصورت اسمی و فعلی و حرف بکار رفته است. و گاه به ضرورت با تلفظ کهن خوانده می‌شود؛ مانند:

آن قیاسات خودت بر طفل خرد / هم ز بیعقلی بود ای مرد رد (ص ۸)

قافیه با فعلهای پیشوندی نیز بسامد بالایی دارد: بر گشود و سر گشود (ص ۲۲۴)

قافیه بدیعی: «منظور قافیه‌ای است که در آن یکی از صناعات بدیعی از قبیل اعنات، تجنیس یا نوآوری ابداعی اعمال شده باشد» (عروض و قافیه، شمیسا: ص ۱۰۰).

او نلغزد زان جماعت همچو کوه / باشدش هر دم شکوه اندر شکوه (ص ۱۲)

قافیه، جناس مطرف دارد. گاه با وجود اینکه قواعد قافیه رعایت شده، عیوبی نیز در قافیه دیده می‌شود:

پشه نمرود را دیدی چه کرد / همچو فیلی کرد او را خرد و مُرد (ص ۱۵۲)

همچنین در واژه‌های «لیل: چگل، دل: گل» با توجه به مثالهای فوق، مشکل اقوا «ناهمسان بودن مصوت کوتاه در هجای قافیه» (همان: ص ۱۰۷)، از رایجترین لغزشهای قافیه در اکسیرالجنون است.

ردیف: «میزان استفاده از ردیف در شعر شاعران دوره بازگشت تا حد زیادی شبیه به شاعران سبک خراسانی است» (نقد و بررسی سبک‌شناسانه شعر دوره بازگشت، مستعلی پارسا: ص ۱۴). کاربرد ردیف در اکسیرالجنون نیز ساده و بشکل ضمیر، اسم، حرف و فعل است. بصورت میانگین ۲۴ درصد ابیات مردف میباشد؛ مانند:

غیرت او حسنش اندر پرده کرد / عشق را خیره‌سر و بر پرده کرد (ص ۸)

موسیقی درونی: «موسیقی درونی متن بوسیله صنایع بدیعی لفظی از قبیل انواع جناس و سجع، تکرار (همحروفی، همصدایی) و مواردی از قبیل اماله، واو معدوله و... بوجود می‌آید» (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۱۷). مختصات آوایی اکسیرالجنون نیز بیشتر مربوط به سبک خراسانی است که در ادامه به شواهدی از متن اثر اشاره می‌شود.

بدیعی لفظی: موضوع علم بدیعی، سخن ادبی فصیح و بلیغ است و اموری را که موجب زینت و آرایش کلام بلیغ است و مستقیماً متوجه الفاظ می‌شود، بدیعی لفظی میگویند. البته ممکن است در معانی تأثیر بگذارد که تتبع الفاظ است نه به استقلال (فنون بلاغت، همایی: صص ۱۸ و ۱۵۱). در اکسیرالجنون در بخش بدیعی لفظی مصنف از انواع جناس، سجع و تکرار لفظ و حرف استفاده کرده است:

نمونه‌هایی از کاربرد جناس و سجع

- جناس تام: گر انا الحق گفت منصورش به دار / نیست او منصور، معذورش بدار (ص ۶۵)
- جناس ناقص: الله الله این چه فقر و فخر بود / تاج شاهان را به چالاکي دربود (ص ۳۲)
- جناس اشتقاق: نار را مسجود دیدی از نخست / سجده از مسجود دیدی نادرست (ص ۱۹)
- جناس شبه‌اشتقاق: نار را با نور من کی همسری است / در ثریا نور و نار، اندر ثری است (ص ۶۱)
- جناس محرف: چشم سر هرگز نبیند جز جدار / چشم سر باید که ببیند روی یار (ص ۳۸)
- جناس مضارع و محرف در بیت: میرباید موج اوج هر گوهر / که چه باشد، عرش پیشش که نگر (ص ۲۱۹)
- سجع و ترصیع: نیش خارش نوش جان باشد مرا / زخم سنگش پوش جان باشد مرا (ص ۱۵)
- سجع متوازی و مطرف: تا ابد از سکر حق نایی به هوش / وارهی از این همه جوش و خروش (ص ۳۰)
- موازنه: گوی چو گانش سران سروران / چوب چو گانش عظام مهتران (۶۳)
- از دیگر موارد تأثیرگذار در موسیقی کلام در منظومه اکسیرالجنون میتوان به موارد ذیل اشاره کرد که بیشتر یادآور ویژگیهای سخن‌سرایی در سبک خراسانی است:
- همحروفي: گشته شورش همچو رویش آتشین / بازخواند زردش آتش نشین (ص ۱۸)
- تکرار واژه و ایجاد آهنگ: در سراسر اثر بوفور مشاهده میگردد.
- بی نشان شد او ندارد یک نشان / از کجا جوییم نشان بی نشان (ص ۲۴).
- تشدید مخفف:
- من به پر و بال تو برمیرم / ورنه من از پشه کی جان در برم (ص ۴۰)
- حذف از کلمه:
- مکر من از مکرشان بالاتر است / حیلهم از حیلهمشان چالتر است (ص ۱۴۲)
- واو معدوله:
- هرچه احسان میکنی با نفس خود / او شود دشمن تو را یابد مدد (ص ۴۵)
- چسبیدن چه و به، به کلمه بعد از خود:
- کار چبود راستی و عجز و ذل / ترک عجب و کبر و ایذاء مزل (ص ۵۵)
- تغییر مصوت: کاربرد «چو» بصورت «چه» در تمامی موارد: پس چه شد شه واقف از حالاتشان (۱۴۲)،
- تغییر مصوت u به o: کاربرد بُد بجای بود: باز اخوان را بُدی سم القتال (ص ۱۴۱)
- حذف مصوت: حذف مصوت کوتاه (حرکت) یا ساکن کردن: رجمتان از دست خودتان کنم (ص ۱۴۵)،
- تبدیل مصوتهای بلند به کوتاه:
- آنکه خامشتر نکالش کمتر است (ص ۱۵۲)
- حذف کسره اضافه: بسامد حذف کسره اضافه در سبک عراقی نزدیک به صفر است (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۵۷). اما در سبک بازگشت بویژه در اکسیرالجنون این تغییر را به پیروی از سبک خراسانی میبینیم.
- حاضر آرم جمله را دلخون کنم / بارشان را بر خر خودشان نهم (ص ۱۴۲)
- ممال: اماله از ویژگیهای سبک خراسانی است که شاعران دوره بازگشت از آن استفاده بسیاری کرده‌اند (نقد و بررسی سبک‌شناسانه شعر دوره بازگشت، مستعلی پارسا: ص ۱۹). جمله اصحاب یمین اندر یمین نزد شاهنشاه در عزت مکین (ص ۱۳۳)

و حجیب (۲۷۴) حسیب (ص ۷۱).

افزودن الف به اول واژه: اشکم (ص ۱۶۷)، اُشتر، استاره (ص ۶۸)،

همچنین کاربرد اسامی صوت مانند: شپ شپ (ص ۱۴۴)، آب آب، جَرَجَر (ص ۷۵-۷۶)،

استعمال «الف اطلاق» به تقلید از زبان قدیم که در دوره بازگشت مرسوم میشود، نظیر:

آن یکی گفتا که حق را دشمنم... (ص ۱۲۱) از دیگر ویژگیهای آوایی در منظومه اکسیرالجنون میباشد.

مختصات لغوی: اکسیرالجنون بلحاظ زبانی، بسیار ساده، سلیس و روان است و در مبحث لغات به قول شمیسا

نوعی کهنگرایی یا آرکانیسم نظیر استعمال واژه‌های قدیمی از برجستگیهای این منظومه و سایر آثار ادبی دوره

بازگشت است (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۱۷). چراکه در این دوره شعرا به تقلید از قدما شعر میسرودند

و همین امر دامنه واژه‌های کهن سبک خراسانی و عراقی را وسعت میبخشد و در کنار آن کاربرد واژه‌ها و ضرب-

المثلهای عامیانه از دیگر ویژگیهای سبکی شعر دوره بازگشت است. مواردی از ویژگیهای لغوی در منظومه

اکسیرالجنون که از بسامد بالایی برخوردار است:

استعمال لغات پهلوی:

اندر به جای در:

دفتر رومی که کنز وحدت است / وحدت اندر وحدت است (ص ۲۵)

«بو که» در معنای بود که، از کاربردهای قدیم است:

گاه و بی گه پرده را من بردرم / بوکه بیندم که در مغز اندرم (ص ۳۷)

کاربرد نک، مخفف «انک»:

گفت: نک بشتاب اجرت را بیاب (ص ۵۰)

همچنین کاربرد واژه نیکو به معنی زیبا؛ مانند: نیکووشان در معنای زیبارویان (ص ۷۳)

و قید نیک:

نیک بنگر از نصف ای مرد دون / غیر تن را سجده کردی تا کنون (ص ۸۸)

استعمال برخی از کلمات عربی به جای معادل فارسی:

گفت این لیس تو پوستین را به عکس / خنده آرد مر مرا ای بوالهوس (ص ۱۵۶)

لبس در معنای پوشیدن بکار رفته است.

لبن در معنای شیر، لبون: شیرخواره (ص ۳۳)، کلب‌خو (ص ۴۶).

استعمال گسترده لغات و ترکیبات عربی: انجاح (ص ۴۹) ملح و اجاج به معنی تلخ (ص ۴۹) مستحیل (ص ۵۰)

رغم انف (ص ۵۹).

واژه‌های قدیم عربی:

آن عنب گوید ز شیرینی کرم / تخم حنظل گوید از تلخی سزم (ص ۳۶)

کرم: درخت انگور، سزم: بوته حنظل (ص ۳۶)، عوسج: نام درختی در هندوستان، بیدا: بیابان (ص ۷۷) آکیس:

داناتر (ص ۱۱۰).

استعمال لغات فارسی قدیمی و غیرمهمجور فارسی: یزدان، نبید. (ص ۵۹)

در حدیث آمد که یزدان مجید / عقل را پیش از همه خلق آفرید (ص ۵۹)

استعمال لغات ترکی: قیق: پیش رو (۱۶۴ ص) ایاق: (ص ۱۱۷) جام شراب، کز لک: چاقو (ص ۱۶۵) دهخدا این واژه را ترکی خوانده است.

لغات و ترکیبات در معانی خاص: آفتاب چرخ (ص ۴) به معنای خورشید، شعله خوار (ص ۲۰) و سمندر دانه: در معنای پروانه، چشم حیوانی: چشم ظاهر (ص ۳۸) معلم خانه: مکتب (ص ۷۲).

استعمال لغات مهجور فارسی: در متن اکسیرالجنون واژههایی بکار رفته است که در منابع دیگر و فرهنگهای لغت دیده نشد و معنای آنها از حواشی متن استخراج گردیده است. مانند: مندکک: منکوب و خوار و ذلیل، سحاق: بانگ و فریاد (بهاریه)، شلیت: محکم کردن (ص ۶۸).

و همچنین کلمه‌های کهن که در آثار قدما کاربرد داشته است؛ مانند گز: واحد اندازه‌گیری، کل به معنای دام (ص ۵)، رشد در معنای هدایت و روشنی که بسامد بالایی دارد. آکسون: جامه‌های فاخر (ص ۷۱)، آبنوس: تیره، فتراک: کمر بند (ص ۱۳۳) قدید: گوشت خام (ص ۵۲) شید: خورشید، مکر (ص ۹۸).

کلمه‌های عامیانه: شعرای مکتب بازگشت همچون شعرای دوره صفوی از بکار بردن واژه‌های عامیانه در شعر خود ابایی نداشتند (بازگشت ادبی و مختصات آن، شاملو و دیگران: ص ۹۷). در متن اکسیرالجنون کاربرد این قسم واژه‌ها دیده میشود: مانند: شخولیدن: رمیدن و بازی کردن، صغیر کشیدن: ص ۹۷، زیل: شکل کهنه و تحریف‌شده زیر، آواز ضعیف، لولنگ: ظرف (ص ۷۵)، لاغ: کلام لغو (ص ۱۴۵)، دک: کهنه (ص ۱۲).

الفاظ رکیک و ناپسند: در مواردی چند در خلال داستانها الفاظ رکیک بکار رفته است. (صص ۱۶۴، ۱۵۶، ۷۶) املائی کهن کلمات: کلماتی مثل: ققص (۲۹۹)، سابون (۶۸)، خورسند (ص ۴۲)، شصت به جای شست ص (۷۹)، صاغر (ص ۱۸۰)، پخته‌گی (ص ۲۰).

مختصات نحوی: ویژگیهای بارز ساختار نحوی اشعار، در منظومه اکسیرالجنون به شرح ذیل میباشد. این ویژگیها نیز سبک کلام شاعر را به شیوه سخن‌سرایی شاعران سبک خراسانی نزدیک ساخته است.

فعل مفرد برای فاعل جمع:

تا شبی خواجه نشسته در بساط / داشتی طفلان به گرد او نشاط (ص ۷۳)

گفتی در معنای گویی و در نقش قید:

ذهن را گفتی که گرگی در ربود / یا که اصلاً حافظه در وی نبود (ص ۷۳)

کاربرد فعل در معنای خاص، همانند: شدن در معنای رفتن:

گل شد از باغ همچنان تو مانده (مانده ای) / عاشقی از درس جان ناخوانده (ناخوانده ای) (ص ۳)

خسته کردن در معنای آزرده کردن (ص ۱۰۲) شکفتن: به معنای خوشحال شدن (ص ۷۸)، یارستن در معنای توانستن (ص ۱۳۱).

اضافه کردن «ی» به فعل:

یاء شرط: گر نبودی تلخ در عالم کجا / شهد را دیدی تو شیرین برملا (ص ۴۳)

یاء وحدت: کنج زندان روضه رضوان شود شه که از محبوسان دمی پرسیان شود (ص ۷۲)

فعل بودی: «ی» در بودی گاهی همان مفهوم استمراری «میبود» است که امروزه «بود» میگوییم و گاهی حالت استمرار ندارد و زائد است (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۳۲۷)

ورنه گندم بدی دام دلش / در سرای عاریت بد منزلش (ص ۵۷)

یاء استمراری: کاربرد «می و ی» در فعل استمراری:

یار در خانه و عاشق بیقرار / میدویدی گرد دشت و کوهسار (ص ۱۱۳)

یاء مبالغه: آنچه‌ان مستی که در فرعون بدی / نی ز جانان بل ز روی تن بدی (ص ۶۹)

یاء در مستی نشانگر مبالغه و کثرت و در فعل «بدی» از نوع یا زائد هست.

نی در نقش قید نفی:

نی ثباتی در صفاتش نی بقا / نی وفایی در حیثش نی صفا (ص ۸۵)

کاربرد همی:

او همی چه کند از روی حسد / از برای یوسف و شاه رشد (ص ۵۹)

مقدم داشتن «می» بر نون نفی:

سایه دیوان و دربان تو را / می نمیگشتی میسر مر مرا (ص ۱۰۹)

ذکر همی:

در همی باز و گشاد است از کرم / غوطه خورد در بحر رحمت از ندم (ص ۵۹)

استعمال یک و «ی» در نکره:

بود او را یک ندیمی از قضاة / نزد او قاضی بد از جمع قضاة (ص ۲۰۱)

استعمال قیودی از قبیل صعب، سخت و نیک به جای بسیار و فراوان که امروزه مرسوم است. (همان، ص ۳۱۷)

هجر او را صعب دیدم در جهان (ص ۱۶).

انواع را:

در معنی حرف اضافه:

هر بلا را یک نوائی توأم است / نیش و نوش و خار و گل اندر هم است (ص ۴۲)

را نشانه مفعول که در اکسیر الجنون کاربرد فراوان دارد:

گر نبودی تلخ در عالم کجا / شهد را دیدی تو شیرین بر ملا (۴۳)

را نشانه فک اضافه و به معنی به: جبر را خود معنی جباری است / گفتن جبار، حق را جاری است (ص ۴۴)

مفعول: گاهی قبل از مفعول «مر» آمده است:

او نبُد راضی به کفر و ظلم تو / تو همی خواندی مر او را تو به تو (ص ۴۷ و ص ۱۵۳)

تو به تو نوعی قید ترتیب است.

یکی از مواردی که در اکسیرالجنون مشاهده میشود، ساخت صفت و قید با اضافه کردن پسوند «تو» به آخر اسم است. مانند:

آن عصای تو بد از شاخه کدو / این عصا از شاخ عوسج سخت تو (ص ۷۷)

سخت تو، کنایه از محکم.

هست از تو تا بر مقصود تو / چار وادی سخت راه و سنگ تو (ص ۱۵۷)

سنگ تو، به معنی سنگلاخ.

ضمیر متصل مفعولی:

خود میباید هرگزت زاینگونه غم / پاک بادا قلبت از درد و الم (ص ۷۶)

وجه مصدری: مانند زبانهای اروپایی و عربی، در سبک خراسانی و عراقی تا قرن هشتم فعل بصورت مصدر یا وجه مصدر می‌آمد (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۳۳۵).

اندرین صحرای پرخوف و خطر / کی توان رفتن بجز سلطان خضر (ص ۶۴)
گروه‌های اسمی بصورت موصوف و صفت و مضاف و مضاف الیه
اضافه تشبیهی: باده گندم (ص ۵۸) چشمه‌سار دیده (ص ۴۵) تیه تن (ص ۵۳) بازار وجود (ص ۲۸)، سحاب
رحمت (ص ۲۵)، سمند قدرت (ص ۲۲)، قاف قدرت (ص ۴۸)، جامه لاشیء: نیستی، مادر عشق، دیگ عشق (ص
۳۵). خلعت لولاک (ص ۹۶) خلعت ثم اجتباہ (ص ۶۰).
اضافه‌های استعاری: ید تقدیر (ص ۸۲) صحن وصل (ص ۸۲) رشک هلال (ص ۸۴) رشک قمر (ص ۱۰۰)، رشک
جیحون، رشک شید (ص ۱۰۱).
یکی دیگر از خصوصیات سبکی اکسیرالجنون در زمینه توصیف، ساخت گروه‌هایی با کلمه رشک، جهت برتری
موصوف است که با نوعی اغراق همراه میشود. اغلب ترکیب‌های اضافی جهت تصویر و تجسم معانی عرفانی بکار رفته
است.
موصوف و صفت: ره پرگرد: کنایه از پرخطر (ص ۱۱۰)، شاهباز وحدت (ص ۴۷)، شکرشعار و قندخو (ص ۴۶)،
نفسکش (ص ۱۵۷).
ساخت ترکیب‌های مختلف با واژه‌های عربی: کلب‌خو (ص ۴۶)، قاع ریگ (ص ۲۲۰)، عدوکش (ص ۸۶)، گردون
ایاب (ص ۵۰).
بدیع معنوی: صنایع بدیع معنوی آن است که مستقیماً مربوط به معنی است و اگر بهره‌ای از حسن و زیبایی ادبی
عاید الفاظ نیز بشود، تابع معانی است. یعنی ممکن است حسن صنعت معنوی به الفاظ نیز سرایت کند (فنون
بلاغت، همایی: ص ۱۵۱). در این بخش به مواردی از آرایه‌های معنوی در اکسیرالجنون اشاره میشود.
مذهب کلامی: بدین صورت است که گوینده برای اثبات مطلب خود برهانی از بدیهیات مورد قبول شنونده بیاورد
و چون متکلمان از راه استدلال به شرح و تفسیر سخن خود پردازد (زیور سخن در بدیع فارسی، صادق‌یان: ص
۹۸). مثال از اکسیرالجنون در دلیل آوردن از برای جهد نمودن و کسب کردن منافعی توکل نیست:
این همه اسباب را حق آفرید / تا نگردد خلق کاهل از مزید
گر نراندی گاو را زارع به دشت / جو و گندم را نیفشاندی به کشت
کی بدست آوردی بود خویش را / تا ندیدی آن جفای پیش را (ص ۸)
تضاد یا طباق: تضاد از آرایه‌های ادبی است که در برجسته کردن مطلب و تأثیرگذاری عمیق‌تر کلام مؤثر است. در
آثار عرفانی علاوه بر کاربردهای معنایی تضاد، مثل واژه‌های شب و روز، نوعی تضاد و تقابل خارج از بافت کلام نیز
دیده میشود که حاصل هنرنمایی شعرای عارف‌پیشه در ادبیات فارسی است. همانند صحو و سکر، قبض و بسط،
عقل و عشق و...
نمونه‌ای از کاربرد تضاد در متن منظومه:
نیش خارش نوش جان باشد مرا / زخم سنگش پوش جان باشد مرا (ص ۱۵)
تناقض یا پارادوکس: متناقضگویی نیز همچون سایر صنایع ادبی در شعر عرفانی در خدمت تبیین مفاهیم و معانی
و تصویرسازی قرار میگیرد. مانند:
آتش اندر آب کرده استوار / آب اندر آتش آن لاله‌عذار (ص ۱۶)
که شاعر به توصیف جمال گل پرداخته و همچنین آب آتشین (ص ۱۰۰) در معنای شراب، که نماد عشق الهی
است.

در رخ زیبای آن شمس نهار / آفتابی دیده در خاکی نهان (ص ۱۳۶)
 آفتاب را در خاک دیدن، امری متناقض است که شاعر جهت توصیف مقام بلند معنوی شخصیت در داستان دختر شاه خطا، استفاده کرده است.
 سیاقه الاعداد: جهت توصیف مناظر و اشخاص، اعداد و تنسیق الصفات بیشترین کاربرد را یافته است.
 باغ و راغ و گنج و گوهر سیم و زر / خادم و خیل و حشم از حد به در (ص ۱۳۳)
 تنسیق الصفات:

دوربین و موشکاف و تیزرو خصم‌انداز، عدوکش، سخت‌رو (ص ۸۶)
 تلمیح: تلمیح در بلاغت و نقد ادبی جدید می‌تواند از استعاره‌گونه‌ها و پسااستعاره‌هایی باشد که در تصویرسازی بکار میرود. تلمیح ارجاع دادن به یک شخص یا واقعه‌آشنای تاریخی و ادبی است که برای قابل فهم کردن ایده‌ها بکار میرود. بر اساس چنین تعریفی، ادبیات می‌تواند به اسطوره‌ها، کهن‌الگوها و وقایع تاریخی و یا عناصری از آثار مشهور ادبی و مذهبی ارجاع دهد و از آنجا که معانی خاصی را در ذهن مخاطب تداعی میکند، می‌تواند با عرفان پیوند یابد (تأثیر تلمیحات اسطوره‌ای در بیان تجربه‌های عرفانی، گل بابایی دیگران: ص ۳۵۱). مصنف اکسیرالجنون نیز همچون سایر آثار عرفانی جهت نیل به مقصود، از ابزارهای تصویرسازی، از جمله تلمیح به آیات، احادیث، قصص قرآنی، اساطیر مذهبی و غیرمذهبی بهره برده و این کاربرد از بسامد بالایی هم برخوردار است. انواع مختلف تلمیح در این منظومه مشاهده میشود:



نمودار ۳- درصد فراوانی آرایه‌های بدیع لفظی و معنوی در «منظومه اکسیرالجنون و تحریر الفنون»
 سر به روی خاک اسماعیل‌وار / مینهد در زیر تیغ آن نگار (ص ۱۳)
 نمودار فوق نشان میدهد در بین آرایه‌های لفظی تکرار با ۱۱۰ مورد و در بین آرایه‌های معنوی تضاد با ۱۱۰ مورد بالاترین بسامد را در اشعار دارند. ضمن اینکه کاربرد سایر آرایه‌ها جناس (۳۰)، سجع (۶۰)، همحرفی (۱۰)، مراعات نظیر (۴۳)، اعداد (۳۵)، تلمیح (۹۰)، مذهب کلامی (۹) تناقض‌نما (۱۰) مورد، جهت آرایش کلام و شفاف‌سازی و ساده‌سازی مفاهیم، توسط شاعر در مجموع یک هزار بیت در مثنوی و رباعیات مندرج در اثر بکار رفته است. برخی از آرایه‌ها چون لف و نشر و تصدیر نیز در خلال ابیات دیده میشود که بدلیل بسامد کم و جلوگیری از اطالة کلام بدان اشاره نشد. آمار فوق نشانگر این مطلب است که اگرچه اکسیرالجنون اثری درونگرا و عرفانی است، شاعر از آرایش کلام و ایجاد موسیقی در متن بویژه در روایت داستانها غافل نبوده است و چه‌بسا لحن غنایی نیز در توصیف صحنه‌ها و حالات و روابط شخصیتها کاملاً محسوس است.

تصاویر شعری (بیانی)

تشبیه: یکی از ابزارهای بیان تجربه‌های عرفانی در قالب شعر و عینیت بخشیدن به مضامین عرفان و تصوف، صنعت

تشبیه است و «با ورود تجربه‌های باطنی عارفان به شعر فارسی، ساختار تصویر نیز متحول میشود. این موضوع نوآوری است که آنان در تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی فارسی به یادگار گذاشته‌اند» (بلاغت تصویر، فتوحی: ص ۲۳).

انواع تشبیه در اکسیرالجنون:

تشبیه تمثیل:

چون بدید الطاف شه را آن نزار / سبز شد چون خاک از باد بهار (ص ۱۰۷)

چون سمندر من بر آتش میروم / آتشین جانم از آتش کی رهم (ص ۱۵)

تشبیه تلمیح: تشبیه تلمیح از عناصر بیانی است که درک وجه شبه آن در گرو آشنایی با اسطوره، داستان یا مثلی باشد و یکی از ویژگی‌های آن ایجاز است (بیان و معانی، شمیسا: ص ۸۵). کاربرد این نوع تشبیه در اکسیرالجنون بسامد بالایی دارد و اغلب جهت توضیح مفاهیم و معانی عرفانی کاربرد دارد:

دست فضلش میکشندم آن طرف / میدوم من چون سگ اصحاب کهف (ص ۱۵)

پشه‌سان نزد سلیمان میروم / پای موری نزد شاهان میبرم (ص ۱۵)

تشبیه به اساطیر:

که منم رخس که رستم بد سوار / بادپای توسن اسفندیار (ص ۷۴)،

تشبیه به اژدها (ص ۱۵).

تشبیهات حسی:

روزی اندر قصر خود بنشسته بود / پرده از رخسار چون خور هشته بود (ص ۵)

از سحاب دیده راندی نم چو یم... (ص ۶۲).

تشبیه غیرحسی به حسی: «طبق گفته ابن اثیر بلیغترین نوع تشبیه، تشبیه معنی به صورت است که معانی موهوم را به صورتهای حسی مشهود و ممثل میسازد» (بلاغت تصویر، فتوحی: ص ۴۰).

عشق چون شیر گرسنه در مصاف / صبر و مستوری چه روبه در گزاف (ص ۱۰۳)

تشبیه وهمی:

سامری چون دیو و نفسش خانه بود / عجل را مأوی در آن کاشانه بود (ص ۹۴)

منطق عطار بحر گوهر است (ص ۲۵) بحر گوهر از امور خیالی است.

تشبیه مضمّر:

معدن یاقوت و الماس آن لیش / یوسف مصری اسیر غبغبش (ص ۴)

از جمله تشبیهاتی که جنبه غیرعرفانی و لحن غنایی دارد.

تشبیه مرکب:

همچو بادی اندر این کشور روان / در میان آب و آتش او نهان

هست سرگردان ز عشق آن نگار / مثل گوی اندر یمین و در یسار

قصه‌اش پیدا و مأوایش نهان / هم بود پیدا و پنهان همچو جان (ص ۱۰۵)

استعاره: مقصود از استعاره دسته خاصی از فرایندهای زبانی است که جنبه‌هایی از یک شیء را به شیء دیگر فرابردر یا منتقل میکند. بگونه‌ای که گویی شیء دوم همان شیء اول است. این صنعت هم تأثیر بیشتری در معنا دارد و هم سبب تزئین کلام میشود (استعاره، هاوکس: صص ۱۱ و ۲۶). و این دو کارکرد در متن اکسیرالجنون

دیده میشود. در بسیاری از ابیات، استعاره ابزار برجسته شاعر در تبیین و تفسیر رمزگونه مفاهیم عرفانی بشمار میرود و گاه جهت آرایش کلام و خلق زیبایی استفاده شده است. پاره‌ای از استعارات در متن اکسیر الجنون: استعاره مصرحه:

هین بپر ای شاهباز وحدتی / سوی قندستان که نیکو فطرتی (ص ۴۵)
شاهباز وحدتی، استعاره از عارف کامل و واصل است.

یعنی ای اسکندر ملک وجود / رو سفر بگزین تو در ظلمات خود (ص ۵۲)
اسکندر استعاره از عقل اول است. ظلمات استعاره از هوای نفس است. در این بیت آرایه‌های تشبیه، تلمیح و جانبخشی نیز دیده میشود.

بزم بزم شعله فرزانه است / رزم رزم آن سمندر دانه است (ص ۲۰)
سمندر دانه، استعاره از پروانه است.

گفت برگو قره العین پدر / آن دو نخلم گشت بی بارومدر (ص ۷۵)
استعاره از پسران بیسواد، در داستان خواجه و پسران است.

استعاره مرکب: آن است که «جمله‌ای در معنای حقیقی خود بکار نرفته و به علاقه مشابهت معنای دیگری را افاده میکند» (معانی و بیان، شمیسا: ص ۷۰). علاوه بر بیان مفاهیم عرفانی، در ضمن روایت حکایات، مصنف جهت آرایش کلام و توصیف صحنه‌ها در اکسیرالجنون از انواع استعاره بهره میگیرد. در توصیف فرارسیدن شب و دمیدن صبح میگوید:

هند و شب چون ز برق صبحگاه / شد نگون با خیل خود در قعر چاه

باز شاه اختران شد در نشیب / هندو شب سر برآورده ز جیب (ص ۷۴)

آفتابی آمده نصف نهار / برق انوارش دل و جان را شرار (ص ۱۰۰)

استعاره و اغراق در توصیف زیبایی دختر شاه خطا، او را به آفتاب نیمروز تشبیه کرده که برق چهره‌اش آتش در جانها افروخته است.

استعاره مکنیه:

عشق زد خیمه بر صحرای دلم / کند یکسر ریشه از آب و گلم (ص ۶۳)

عشق به انسانی تشبیه شده که خیمه برپا کرده و ریشه هستی شاعر را از آب و گل بیرون آورده و کنایه از فنای جسم خاکی و دل برگرفتن از دنیای خاکی است.

آن جنود عقل برخوردار شد / چون سگ نفس امل بر دار شد (ص ۹۵)

مقصود از جنود، نیروهای عقل اول است.

آفتاب چرخ چون رخ برگشود... (ص ۴۹)

انواع مختلف استعاره در منظومه اکسیر الجنون بکار رفته است و استعاره‌های حسی و مصرحه بدلیل تشریح و تبیین مفاهیم عرفانی و اخلاقی، از بسامد بیشتری برخوردار است.

کنایه: کنایه و استعاره، یکی از قویترین عناصر ساختمان شعری در ادبیات عرفانی است. شاعر هیجانانگ عاطفی خود را به زبان رمز بیان میکند و به کمک این دو عنصر قوی به هیجانانگ درونی خویش تبلوری و به نیروی بیان خود، قدرتی میبخشد (صور معانی در مکتب درونگرایی، شجیعی: ص ۲۷۰). شایان ذکر است که کنایات بکاررفته در اکسیرالجنون اغلب از نوع ایما هستند. شواهدی از انواع کنایه بلحاظ دلالت مکنی‌به، به مکنی‌عنه از متن اثر:

کنایه از فعل یا مصدر:

هوش از سر و پای از رفتار ماند / آن فقیر از عشق مه، بر دار ماند (ص ۱۰۱)
بر دار ماندن کنایه از دچار گرفتاری و مشقت شدن است.
عاشق آن پروانه باشد کز رشد / اندر آتش رخت از شیش سو کشد (ص ۲۰)
رخت از شش سو کشیدن: با تمام وجود هستی خود را نثار کردن.
همچنین ساز کردن: آماده کردن (ص ۷۱)، طشت کسی از بام افتادن (ص ۱۰۳): رسوا شدن، دیگ عشقش شد
سر از جوش یار (ص ۱۱۲): صبر و طاقت کسی تمام شدن.
کنایه از صفت:

مثل تو قلاش و اشکم پروری / گاونفس و زشتخوی و دم پروری (ص ۱۲)
کنایه از موصوف: روح عرشی کرده خاک خام را (ص ۴۸)،
خاک خام کنایه از انسان است.

سرای عاریت (ص ۷۵) کنایه از دنیا، شعله خوار (ص ۲۰) کنایه از پروانه، هجرنوش (ص ۱۱۳) کنایه از عاشق، ره
پرگرد کنایه از راه پرخطر (ص ۱۱۰)، خاکبیزی: کنایه از فروتنی (ص ۸۰)، رشک هلال: کنایه از غایت زیبایی
(ص ۸۴)، قندستان کنایه از عالم حقیقت (ص ۴۷)، فانیکده: دنیا (ص ۱۹۱).
گاهی نیز نوعی عدول از زبان متعارف و هنجارگریزی محتوایی در کلام شاعر دیده میشود که بلحاظ معنایی و
خلق تصاویر، قابل توجه میباشد، مانند:

صد بار شکستم و بیستم توبه فریاد همی کند ز دستم توبه (ص ۵۰)
فریاد کردن توبه به همراه شاعر، از عناصر فرامنطقی است.
و همچنین گوش را تیز کردن (ص ۳۷)،

مست چون کشتی ز صهبای خدا (ص ۳۷) نسبت دادن مستی به کشتی، سوختن جان عاشق همچو عود (ص
۲۹)، همچو پروانه از آتش مست شدن (ص ۵۴).

فتوحی اوج خلاقیت و ادبیت متن را قاعده‌گریزی محتوایی در قلمرو معانی و صناعات معنوی همچون کنایه و سایر
آرایه‌های درونی میداند (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۴۸).

تمثیل: در علم بلاغت، تمثیل، تصویر یا مجازی است که گوینده بوسیله آن چیزی میگوید اما مقصودش چیز
دیگری است و هدف تعلیم در آن همیشه روشن است (رمز و داستانهای رمزی، پورنامداریان: صص ۱۴۲-۱۴۳).
تمثیل به همه انواع حکایات، قصه‌های اخلاقی، ضرب‌المثل، اسلوب معادله، ارسال المثل و... اطلاق میشود و از
مؤثرترین شکلهای ادبی جهت تبیین و تعلیم مفاهیم و معانی در ادبیات عرفانی زبان فارسی بوده است (بلاغت
تصویر، فتوحی: صص ۲۵۵-۲۵۷). انواع مختلف تمثیل در منظومه اکسیرالجنون، به کنایه و بصراحت بکار رفته
است. نمونه‌هایی از رایجترین انواع تمثیل در متن اثر:

مثل یا ضرب‌المثل:

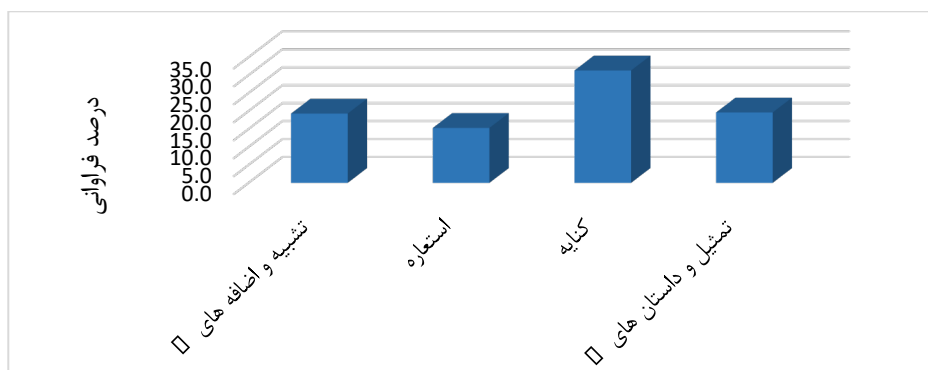
خوی اصل از فرع بیرون میجهد / آنچه در کوزه است، بیرون میتند (ص ۳۶)
ارسال المثلین: ذکر دو مثل در کلام:

دست او کوتاه و خرما بر نخیل / پای او بدلنگ و منزل بس طویل (ص ۱۳)
اسلوب معادله:

پردلی باید که بار غم کشد / رخس باید تا تن رستم کشد (ص ۱۳)
 روح و جان، جان جانان من اوست / اوست مغزم من پرده‌دارم چو پوست (ص ۳۷)
 حکایت و قصه: همانطور که در آغاز کلام گفته شد، اکسیرالجنون منظومه‌ای تمثیلی است که با تمثیل گل و بلبل آغاز شده و متناسب با موضوعات مختلف، به ذکر حکایتهای کوتاه در قالب یک بیت و گاه طولانی و داستان در داستان، می‌پردازد.

حکایت کوتاه مثل:

روبهی شد بهر صیدی تا به دشت / گشت خود صید پلنگ تیزدست (ص ۱۳۹)
 در اکسیرالجنون قریب به شصت و یک داستان ذکر گردیده که در مبحث ویژگیهای منظومه بدان اشاره شد. همچنین تمثیلهایی از منابع منثور، همچون تمثیل روزوشب به موشان سیاه و سپید که در کلیله و دمنه آمده، در اکسیرالجنون دیده میشود (ص ۱۶۰).



نمودار ۴- درصد فراوانی تصاویر بیانی در «منظومه اکسیرالجنون و تحریر الفنون»

بر اساس نمودار فوق در جامعه آماری منتخب، عنصر کنایه و انواع آن با عدد ۲۸۵ و انواع تشبیه و اضافه‌های تشبیهی با عدد ۲۷۶، بالاترین بسامد را در بیان مقصود شاعر و خلق تصاویر و زیبایی معنوی کلام وی دارند. تمثیل و داستانهای تمثیلی با عدد ۱۳۰، انواع استعاره با ۱۲۵ مورد در جایگاه سوم و چهارم قرار گرفته‌اند. داده‌ها و نمودارهای آماری نشان می‌دهد بسامد عناصر بیانی و تصویرسازی بویژه کنایه بالاتر است.

تصویرسازی یا تجسم‌گرایی

تصویرسازی از اصطلاحات جدید ادبی و مهمترین مباحث علم بیان است؛ بدینسان که شاعر در صحنه‌آرایی و تجسم مفهوم ذهنی، مهارت خود را چون نقاش زبردستی آشکار سازد و سخن پلوتارک را مدلل دارد که میگوید شعر خوب، تابلو نقاشی زیباست» (زیور سخن، صادقان: ص ۱۸۰). از ویژگیهای برجسته اکسیرالجنون که تأثیرگذاری عمیقتر و بیشتری به کلام شاعر بخشیده و بیانگر دیدگاه‌های شاعر در منتهای فشرده‌گی میباشد، تصویرسازیهای قوی است. در توصیف مسیر پرخطر سیروسلوک و لزوم راهنمایی پیر و مرشد که یادآور اندیشه‌های خیامی نیز میباشد، میگوید:

هان مرو بی پیر در دشت خطر / تا نگردي همچو من بی پال و پر
اندرین ره، خانه‌ها ویران شده / سروها بی سر و سامان شده
آب این وادی همه خون دل است / صد هزارش خوف در هر منزل است
سنبلش از جعد سیمین عارضان / خشتش از خاک عذار گلرخان
گوی چو گانش سران سروران / چوب چو گانش عظام مهتران
غیر لاله گل نمیروید در او / بس که از خون سبزه تر کرده گلو (ص ۶۳)

ویژگیهای فکری

سبک تنها با مقوله برجسته‌سازی و ویژگیهای صوری زبان مرتبط نیست، بلکه عمیقاً با درونمایه‌ها، تصاویر، ساختار کلی اثر، اندیشه و محتوای کلی آن، حتی جایگاه متن در سیر تکاملی تاریخ ادبیات نیز سروکار دارد (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۲۱۹).

مصنف اکسیرالجنون، تقریباً همه نظریه‌های اساسی تعلیمات صوفیه را در شکلی نمادی و زبانی ساده و عامه‌فهم، بسط داده و در کتاب خود به طرح مباحث عرفانی و سیروسلوک مطابق با شریعت و با استناد به آیات، احادیث و روایات دینی پرداخته و مثنوی وی مشحون به مضامینی است که از منابع یادشده سرچشمه گرفته است. در منظومه اکسیرالجنون، مختصات فکری پررنگتر از مختصات ادبی و زبانی است. در نتیجه میتوان آن را در زمره آثار معنیگرا و درونگرا محسوب کرد. از توضیحاتی که در حاشیه اثر (صفحه ۱۸) آمده، با رد گرایش شاعر به مسائل فلسفی از جمله تسلسل، وی را از اهل طریقت میدانند.

یکی از شاخصه‌های عرفان در دوره قاجار، بطور عام و اکسیرالجنون بشکل خاص، رویکرد شعرا به طرح و تفسیر عرفانی مباحث شیعی است. از جمله محورهای فکری مبتنی بر تشیع، در اکسیرالجنون میتوان به موضوعات ذیل اشاره کرد:

۱- رسیدن به حقیقت را در گرو تقید به شریعت محمدی و سلوک در طریقت ولایت و امامت حضرت علی (ع) میدانند. در مقدمه مبحث اثبات توحید میگوید:

نیست شرعی غیر شرع مصطفی / نیست راهی جز طریق مرتضی

شد شریعت مر طریقت را دلیل / آن طریقت شد حقیقت را سبیل (ص ۲۱)

۲- اشاره به واقعه غدیر خم و اهمیت ولایت امیرالمؤمنین که با طرح داستان مردمان کور، در شهر دوشیزه، ضرورت وجود انبیا را با شرح مباحث عرفانی مطرح میکند. در پایان به اثبات امامت و جانشینی حضرت علی (ع) با ذکر شواهد و تلمیح به احادیث شیعه میپردازد:

یا نبی الخیر بَلِّغْ ما نَزَلَ / فی علی من الله لم یزل (ص ۱۴۹)

۳- مسئله رؤیت از دیدگاه مکتب تشیع: با استناد به حدیث کمیل و حضرت علی (ع) که فرمودند: «لَمْ أَكْ أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ» به مفهوم رؤیت اشاره میکند و به چهار وادی جهت رسیدن به حقیقت اشاره میکند که از زبان حضرت علی (ع) به کمیل بیان میشود:

چشم سر هرگز نبیند جز جدار / چشم سر باید که ببیند روی یار (ص ۳۸)

۴- اشاره به اهمیت واجبات شرعی از جمله نماز جمعه و معراج عاشقان و انتظار فرج حضرت مهدی (عج):

ظهر روز جمعه آمد نصف لیل / از ظلام هجران آن ماه چگل (ص ۹۵)

(اشاره به غیبت حضرت قائم عج)

۵- در تفسیر عرفانی آیه تطهیر:

ور به حکم ظاهر باشد نظر / آیه تطهیر برخوان و نگر (ص ۱۵۶)

عشق و ویژگی آن در اکسیرالجنون: به عقیده عرفا شالوده وجود آدمی را بر عشق نهاده‌اند. یکی از چهار اقلیم وجودی که در مسیر معنوی آمده است: «سیر از عشق انسانی به عشق معنوی است. بدین معنی که عشق انسانی جای خود را به استحال‌های در عشق ربانی می‌دهد» (آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، شایگان: ص ۹۴). در داستان دختر شاه خطا، عشق مجازی سرآغاز عشق حقیقی می‌گردد و با آمدن عشق، عقل به زوال می‌رود:

عشق چون رخ برگشودی از وثاق / عقل عالم آمدی اندر محاق (ص ۶۲)

سیمای زن: یکی از مضامین اکسیرالجنون سیمای زن است که به دو شکل فاسقه و صالحه دیده می‌شود. در حکایت هزل‌آمیز «مردی که کور شد» با چهره زنی فاسد روبرو هستیم و در فصلی که مفهوم عرفانی صبر را بررسی می‌کند، شاهد زنی پارسا و یگانه هستیم که با قدرت تسلط بر هوای نفس خویش، از اولیاء الله می‌شود. زیرا شرط وصول، تقوی، عمل نیک و مقاومت در برابر نفس اماره است و این صفت در داستان نسبتاً طولانی «زن صالحه که از اولیاء الله شد» بتصویر کشیده شده است.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش بیانگر رشد و رواج عرفان و تصوف اسلامی و رویکرد شعرا به ادبیات عرفانی در دوره قاجار است. همانطور که در سایر انواع ادبی، آثار بیشماری تألیف و سروده شده، در بیان ماهیت عرفان و تصوف و فضایل انسانی نیز منظومه‌هایی ارجمند -از واپسین روزهای رونق بازار عرفان و تصوف در ایران- به یادگار مانده که منظومه «اکسیر الجنون و تحریر الفنون» از نمونه‌های ارزشمند و مغفول این حوزه ادبی است و تاکنون معرفی نشده است. شاعر اگرچه به تقلید از گذشتگان پرداخته، در مباحث شیعی راه خود را از پیشینیان جدا می‌سازد. کاربرد حکایات و تمثیلهای جهت تبیین و تفهیم معانی و مضامین عرفانی از شگردهای اصلی مصنف بشمار می‌رود. متن بلحاظ زبانی ساده، روان و به سبک خراسانی نزدیک است. از بعد ادبی نیز، کاربرد صنایع مختلف ادبی -به دور از هرگونه پیچیدگی- بویژه در آغاز حکایتها و در بهاریه آغازین، تصویرسازیها و به خدمت گرفتن صور معانی در جهت ساده‌سازی و بیان معانی و مضامین عرفانی، و اشعار عربی و ملمعات زیبا نشان‌دهنده تسلط شاعر بر آثار گذشته ادب فارسی است. این منظومه بلحاظ فکری اثری درونگراست و مفاهیم بلند عرفانی همچون «وحدت وجود»، ادبار و اقبال عقل و اصطلاحات تصوف مانند کشف و شهود، صبغه الله و... را با اقتباس از آیات، احادیث و روایات دینی و تلمیح گسترده به اساطیر دینی شرح کرده است و فهم باطنی از شریعت و عبادات ظاهری را ضروری دانسته و دین را شامل سه مرتبه شریعت، طریقت و حقیقت میدانند. تفسیر عرفانی معتقدات شیعه از محورهای اصلی و وجه تمایز اثر با آثار عرفانی دوره‌های گذشته می‌باشد. انجام پژوهش حاضر و معرفی این منظومه می‌تواند برای پژوهشگران و علاقمندان به شعر و ادب فارسی، تاریخ تطور عرفان و تصوف اسلامی در عهد قاجار، ادبیات عامیانه و داستانی، حدیث و روایات دینی بواسطه شرح مبسوط اثر و اشاره به شعر شعرای مختلف، سودمند واقع شود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه پیام نور استخراج شده است. سرکار خانم

دکتر فاطمه کوپا راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم طیبه وطن‌پرست به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر علی محمد پشت‌دار و آقای دکتر (علی) پدram میرزایی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاوران این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه پیام نور و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Baraheni. R. (۲۰۰۲). *Alchemy and soil*, Tehran: Morghe Amin, p. ۳۵.
- Bertels, Eugen Edward witch. (۱۹۹۷). *Sufism and Sufi literature*, Tehran: AmirKabir, pp. ۱۴۶, ۱۵۶.
- Dezfulian, K & Shamloo, A. (۲۰۱۶). literary retelling and linguistic coordinates of its poetry. *Journal of literary text studies* (۵۹), Pp.۹۰-۱۰۲.
- Esfandiyar. M. and Pazookii. SH. (۲۰۱۹). *History of Sufism and Islamic mysticism of Safavid to the end of Qajar*. Tehran: Samt, pp. ۱۳۴-۱۳۹.
- Fotuhi. M. (۲۰۰۷). *Image rhetoric in persian poetry*, Tehran: Agah, pp. ۲۳, ۴۰, ۲۵۵-۲۵۷.
- Fotuhi. M. (۲۰۱۶). *Stylistics*, Tehran: Sokhan, Pp. ۴۸, ۲۱۹.
- GolBabaie. T. and Others. (۲۰۲۰). The influence of mythical allusions in the expression of mystical experiences According to Attar's logic, *Scientific Journal of linguistic Studies* ۱۱ (۲۲), ۳۴۵-۳۶۸.
- Havens.T. (۱۹۹۲). *Metaphor*, Translate by Farzane Tahery, Tehran: Markaz, pp. ۱۱, ۲۶.
- Homaie. J. (۱۹۹۸). *Mesbah-al-hedayeh and Meftah-al-Kefayeh*, Tehran: Homa, p. ۷.
- Homaie. J. (۲۰۱۰). *Rehtoric and literary Crafts*, Tehran: Ahoora, pp. ۱۸, ۱۵۱, ۱۶۷, ۱۶۸.
- Khatami. A. (۲۰۰۱). *History of Iranian literature in the period of literary return*, Tehran: Paya, pp. ۷۶, ۱۱۹.
- Malmir. M. (۲۰۱۸). *Flowers in mystical Interpretations*, *Journal of literary research* (Gohar guya) ۱۱ (۱), pp. ۳۷-۶۶.
- Manuscript of Elixir of Madness and Writing of art available in Malek Library and Museum in Tehran.

- Mostaali parsa. GH. (۲۰۱۷). Stylistic Critique of Return Poetry, *Journal of Literary textual research* ۲۰ (۶۸), pp.۷-۳۹.
- Namdariyan. T. (۲۰۱۷). Mysteries and mystery stories. Tehran: Scientific and cultural, pp.۱۴۲-۱۴۳.
- Nazary. Z and Seif. A. (۲۰۲۰). Structural and content analysis of Shiite narrative Masnavi the Qajar era. *Persian potery and prose swimming style specialized quaterly*. (Bahar Adab) ۴۶, pp. ۸۱-۹۸
- Sadeghian. M. (۲۰۰۸). The ornament of speech in the Persian novel, Yazd: Yazd University, Pp. ۱۸-۹۸-۱۰۰-۱۳۲.
- Safa. Z. (۲۰۱۰). Epic writing in Iran, Tehran: AmirKabir, p. ۴۸۰.
- Shafie kadmeh, M. (۱۹۹۶). Imaginary images in Persian poetry. Tehran: Agah, p. ۵۳.
- Shafie kadmeh. M. (۲۰۱۳). The Language of Poetry in Sufi prose. An Introduction to the Stylistics of the Mystical View of the Mystical Mystical Heritage of Iran. Tehran: Sokhan, pp. ۱۳۸,۲۰۶,۵۱۹.
- Shajieey. p. (۱۹۶۱). Semantic Forms in the school of introversion. Tehran: Virayesh, Pp. ۸۸,۹۳,۱۵۸,۲۷۰.
- Shamis, S. (۱۹۹۹). Prose and rhyme, Tehran: Mitra, pp.۱۰۰,۱۰۷.
- Shamisa. S. (۲۰۰۲). Generalities of stylistic. ۲nd. Tehran: Mitra. Pp. ۲۱۶, ۲۱۷, ۲۵۷, ۲۷۲, ۳۳۵.
- Shayegan. D. (۲۰۱۹). Horizan of spiritual thinking in Iranian Islam, Tehran: Foruzan, P.۹۴.
- Shmisa. S. (۱۹۹۶). Expression and meaning, Tehran: Ferdowsi, Pp. ۸۵-۷۰.
- Sobhani. T. (۲۰۰۱). History of Iranian Literature. Tehran: Zavvar, pp. ۴۷۸,۴۸۰.
- Tajrobeh kar. N. (۱۹۷۱). Poetry style in the Qajar era. Tehran: Masoud Sa'ad, p. ۲۲۳.
- Zarrinkoob. A. (۲۰۰۶). Search sequence in Iranian Sufism. Tehran. AmirKabir, P. ۳۴۸.

فهرست منابع فارسی

- آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، شایگان، داریوش (۱۳۸۷) ترجمه باقر پرهام، تهران: فروزان.
- استعاره، ترنس، هاوکس (۱۳۸۷) ترجمه فرزانه طاهری تهران: نشر مرکز.
- اکسیرالجنون و تحریر الفنون، نسخه خطی موجود در موزه و کتابخانه ملک.
- بازگشت ادبی و مختصات زبانی شعر آن، دزفولیان، کاظم و شاملو، اکبر (۱۳۹۵) تاریخ ادبیات (پژوهشنامه علوم انسانی شهید بهشتی)، شماره ۵۹، صص ۹۰-۱۰۲.
- بلاغت تصویر، فتوحی، محمود (۱۳۸۹) تهران: سخن.
- بیان و معانی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۵)، تهران: فردوس.
- تأثیر تلمیحات اسطوره‌ای در بیان تجربه‌های عرفانی (بر اساس منطق الطیر عطار)، گل بابایی، تمنا و دیگران (۱۳۹۹)، زمستان، مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی (۲۲) ۱۱، صص ۳۴۵-۳۶۸.
- تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی از سقوط صفویه تا استقرار مشروطه، خاتمی، احمد (۱۳۸۰)، چاپ دوم، تهران: پایا.
- تاریخ ادبیات ایران، سبحانی، توفیق (۱۳۸۶) تهران: زوار.
- تاریخ تصوف و عرفان اسلامی (از آغاز صفویه تا اواخر قاجاریه) اسفندیار، محمودرضا و پازوکی، شهرام (۱۳۹۸) تهران: سمت.

تحلیل ساختاری و محتوایی مثنویهای روایی شیعی در عصر قاجار، نظری، زهرا و سیف، عبدالرضا (۱۳۹۸) فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) شماره ۴۶، صص ۸۱-۹۸.

تصوف و ادبیات تصوف، یوگنی ادارد ویچ، برتلس (۱۳۷۶) ترجمه سیروس ایزدی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

حماسه‌سرایی در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۹) تهران: امیرکبیر.

دنباله جستجو در تصوف ایران، زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۵) چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.

رمز و روایت‌های رمزی، پورنامداریان، تقی (۱۳۹۶) تهران: علمی و فرهنگی.

زبان شعر در نثر صوفیه، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲)، تهران: سخن.

زیور سخن در بدیع فارسی، صادقیان، محمدعلی (۱۳۸۷) چاپ دوم، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.

سبک شعر در عصر قاجاریه، تجربه‌کار، نصرت (۱۳۵۰) تهران: چاپ مسعود سعد.

سبک‌شناسی، فتوحی، محمود (۱۳۹۵) تهران: سخن.

صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶) تهران: آگاه.

صور معنایی در مکتب درونگرایی، شجیعی، پوران (۱۳۷۵) تهران: ویرایش.

عروض و قافیه، شمیسا، سیروس (۱۳۷۵) تهران: میترا.

فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹) تهران: اهورا.

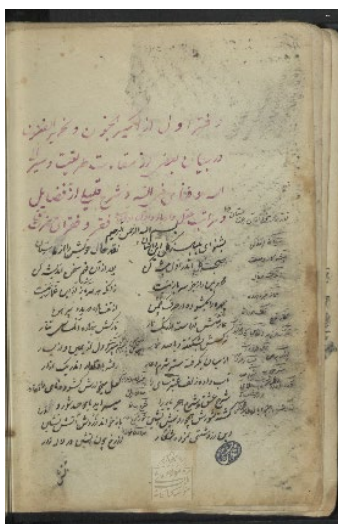
کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۴) ویرایش دوم، تهران: میترا.

کیمیا و خاک (مؤخره‌ای بر فلسفه ادبیات)، براهنی، رضا (۱۳۸۱) چاپ دوم، تهران: مرغ آمین.

گل در تأویلات ادب عرفانی، الممیر، محمدابراهیم (۱۳۹۶) نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، (۱) ۱۱، صص ۳۷-۶۶.

مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، کاشانی، عزالدین (۱۳۷۶) به تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: هما.

نقد و بررسی سبک‌شناسانه شعر در دوره بازگشت، مستعلی پارسا، غلامرضا، (۱۳۹۵) نشریه متن‌پژوهی ادبی، (۶۸) ۲۰، صص ۷-۳۹.



تصویر صفحه اول از دفتر نخست مثنوی در منظومه اکسیرالجنون و تحریر الفنون.

معرفی نویسندگان

طیبه وطن پرست: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: tvatanparast@yahoo.com)

فاطمه کوپا: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

(Email: Amin19902001@yahoo.com)

علی محمد پشت‌دار: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

(Email: Am.poshtdar@pnu.ac.ir)

علی (پدرام) میرزایی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

(Email: ALi.pedram.merzaei@pnu.ac.ir)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Tayebeh Watanparast: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.

(Email: tvatanparast@yahoo.com : Responsible author)

Fatemeh Koopa: Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.

(Email: Amin19902001@yahoo.com)

Ali Mohammad Poshtdar: Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.

(Email: Am.poshtdar@pnu.ac.ir)

Ali (Pedram) Mirzaei: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.

(Email: ALi.pedram.merzaei@pnu.ac.ir)